

از گوشه و کنار

توقیف اموال ۵۷ نفر در استان مرکزی

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی، از صدور دستور قضایی برای توقیف اموال ۷۵ نفر از همکاران «شبکه‌های معاند» خبر داد.



مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه در بیانیه خود این افراد را «عناصر حامی دشمن» خوانده و اعلام کرد که تاکنون ۷۵ پرونده قضایی برای تعدادی از همکاران و مرتب‌ترین مستقیم باشبکه‌های معاند خارج از کشور در داسرای اراک تشکیل شده است. دادستان مرکز استان مرکزی همکاری با رسانه‌های معاند را جرمی نابخشودنی توصیف کرده و شهروندان را تهدید به برخورد قضایی کرده است.

■ ■ ■

هزینه خاکسپاری در تهران تا ۵۰ درصد افزایش یافت

طبق مصوبه جدید نرخ پهای خدمات در بهشت زهرا حاکی از آن است که تعرفه خدمات مختلف از حمل متوفی و تنمیل تاکفین، تدفین و برگزاری مراسم، به‌طور میانگین حدود ۴۰ درصد افزایش یافته و در برخی موارد حتی افزایش قیمت‌ها ۵۰ درصد است. به گزارش دیده‌بان ایران، بر اساس جدید شورای شهر تهران، هزینه انتقال هر متوفی از سطح شهر تهران تا شعاع ۱۰ کیلومتری به ۹ میلیون و ۷۵۰ هزار ریال رسیده و افزایش ۵۰ درصدی داشته است. نرخ حمل به پزشکی قانونی کهریز یک هم از قاعده افزایش مستثنی نشده و به‌ازای هر کیلومتر اضافه افزایش یافته و خدمات آمبولانس خصوصی بیشترین رشد تعرفه را تجربه کرده است.

■ ■ ■

تداوم مجوز تردد خودروهای مناطق آزاد در سراسر کشور

رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرد: مجوز تردد خودروهای دارای پلاک مناطق آزاد (ماکو، کیش، قشم، چابهار و اروند) در سراسر کشور همچنان



معتبر است. این تصمیم ویژه که در دوران جنگ رمضان و پس از برقراری آتش‌بس اتخاذ شده، تا زمان بازگشت کامل شرایط کشور به وضعیت عادی تداوم خواهد یافت. به گزارش ایلنا، تیمور حسینی توضیح داد: این تسهیلات برای جبران محدودیت‌های اداری و گمرکی در شرایط بحرانی و صیانت از حقوق شهروندان اعمال شده است. دارندگان این خودروها بدون نیاز به تبدیل پلاک به پلاک ملی، می‌توانند در تمام استان‌ها تردد کنند.

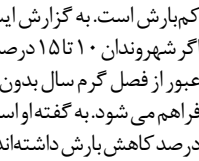
■ ■ ■

پلمب کافه مروج عقاید انحرافی در تهران
پلیس نظارت بر اماکن عمومی تهران بزرگ، کافه‌ای در خیابان ولی‌عمر (عج) را به دلیل ترویج فرقه‌های انحرافی و شیطان پرستی پلمب کرد. طبق اعلام مرکز اطلاع‌رسانی پلیس، این واحد صنفی بابرگزاری برنامه‌هایی تحت پوشش موسیقی غربی، بستری برای حرکات ناپهنجار و وضعیت غیرطبیعی جوانان و نوجوانان فراهم کرده بود. مأموران پس از مشاهده عینی این تحرات و در پی شکایات مردمی، دستور پلمب را صادر کردند.

■ ■ ■

کشور وارد تر سالی نشده است

سختگویی صنعت آب کشور گفت: ادعای ورود کشور به ترسالی یا داده‌های علمی و واقعیات اقلیمی سازگار نیست. حدود یک‌سوم کشور همچنان



کم‌بارش است. به گزارش ایسنا، عیسی بزرگ‌زاده گفت: اگر شهروندان ۱۰ تا ۱۵ درصد دیگر از مصرف بکاهند، امکان عبور از فصل گرم سال بدون بروز مشکلات در تأمین آب فراهم می‌شود. به گفته او استان‌های قم و تهران بیش از ۳۰ درصد کاهش بارش داشته‌اند.

■ ■ ■

افزایش ناگهانی ابتلا به تب دانگی در شمال کشور

یک متخصص بیماری‌های عفونی، اعلام کرد که پس از سفرهای گسترده اخیر به مناطق شمالی، نرخ ابتلا به تب دانگی در این نواحی افزایش چشمگیری یافته است. به گزارش ایلنا، مینو محرز یاشاره به پروکندگی پشه‌های ناقل در سراسر کشور، عامل اصلی انتقال را تجمع جمعیت وجود این حشرات در سکونتگاه‌های آسنتی دانست. محرز تأکید کرد: عفونت اولیه معمولاً خفیف است، اما ابتلای مجدد می‌تواند بسیار خطرناک باشد. با توجه به نبود واکسن عمومی و عدم سرایت‌انسان به‌انسان، راهکار اصلی مقابله با بیماری، کنترل جمعیت پشه‌ها است. شهروندان باید از تجمع حتی مقدار کمی آب در گلدان‌ها یا باکتن‌ها که محل تخم‌گذاری پشه‌هاست، خودداری کنند.

■ ■ ■

چالش درمان رایگان کودکان زیر ۷ سال



طرح «درمان رایگان کودکان زیر ۷ سال» که با هدف کاهش هزینه‌های کم‌شکن سلامت و حمایت از جوانی جمعیت از اواخر سال ۱۴۰۲ آغاز شد، با گذشت بیش از دو سال به یکی از محبوب‌ترین سیاست‌های حمایتی تبدیل شده است. بر اساس این طرح، ۱۰۰ درصد تعرفه دولتی خدمات بستری و سرپایی توسط بیمه‌ها پرداخت می‌شود که موجب آرامش خاطر والدین در مواجهه با بیماری‌های تخصصی فرزندانشان شده است. به گزارش ایسنا، با این حال، تداوم این مسیر با چالش‌های جدی مواجه است. رؤسای بیمارستان‌های تخصصی از جمله بیمارستان‌های «مفید» و «په‌رامی»، ضمن ابراز شمنده‌اندستن اصل طرح، نسبت به محدودیت توان مالی مراکز درمانی می‌گویند: «هر جا مردم فراموش شوند، آن سیستم از هم می‌پاشد. نمی‌شود منطقه‌ای را حفاظت کرد، اما معیشت مردم و نقش آنها در حفظ کویسیستم را نادیده گرفت.» او معتقد است بخشی از بحران امروز تالاب ناشی از قطع ارتباط تاریخی مردم با این زیست‌بوم است؛ هر مدی که سال‌ها از طریق صیادی، حمل‌ونقل آبی و فعالیت‌های سنتی، بخشی از چرخه طبیعی تالاب بودند. فلاح می‌گوید تالاب انزلی در برخی نقاط

آن چه در پشت پرده «اتصال اسمی» اینترنت پنهان است

وصل است، اما کار نمی‌کند!



سعیده علیپور

بسیاری از کارشناسان حوزه‌ی مخابرات و امنیت سایبری معتقدند آن‌چه انتقال افتاده، پدیده‌ای جدید تحت عنوان «اتصال اسمی» است. در این وضعیت، اگر چه از نظر فنی کامپیوتر یا گوشی شما به اینترنت وصل است و داده‌ها در دودل می‌شوند، اما به دلیل موانع شدید فیلترتنگ، عملاً از کار افتاده است. دقیقاً مانند جاده‌ای که باز است، اما پلیس در هر تقاطع جلوی رفت و آمد را گرفته و هیچ خودرویی نمی‌تواند عبور کند.

برای درک بهتر این موضوع می‌توان این طور توضیح داد که بسیاری از سایت‌های معتبر از قفل‌های دیجیتال خاصی (پروتکل‌های TLS/SSL) برای حفظ امنیت اطلاعات خود استفاده می‌کنند. سیستم فیلترتنگ عمداً این قفل‌ها را باز نمی‌کند؛ بنابراین حتی اگر آدرس سایت را درست وارد کنید، ارتباط برقرار نمی‌شود و صفحه با خطا مواجه می‌شود. چیزی که این روزها احتمالاً فراوان بان مواجه شده‌اید.

از سوی دیگر اینترنت جهانی چند سالیست که به مسیرهای سریع‌تر و کارآمدتری (مانند IPv6) مهاجرت کرده است. اما دسترسی به این مسیرهای جدید در حال حاضر برای کاربران ایرانی مسدود شده و کاربران مجبورند از مسیرهای قدیمی‌تر، کندتر و تحت فشار استفاده کنند که عملاً برای سرویس‌های امروزی کاربردی ندارد. در نتیجه، اتصال اسمی می‌توان گفت تا حدودی یک عدد روی کاغذ است و در عمل، کاربر با یک دیوار نامرئی روبرو می‌شود که مانع از رسیدن به

جهانی است. در چنین سناریویی، اینترنت وصل است، اما کار نمی‌کند؛ وضعیتي که کارشناسان آن را مرگ تدریجی پنهانی بانسد کاربری هم توصیف می‌کنند.

سرعت اینترنت: از «مگابیت» تا «واحد صبر و فرسایش»

در فضای غبار آلود شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در پلتفرم ایکس (توییتر سابق)، موج نارضایتی‌ها ذیل هشتگ #اینترنت از مرحله‌ی گلایه گذشته و به نوعی «فغان جمعی» تبدیل شده است. افکار عمومی به این جمع‌بندی تلخ رسیده است که پروژه‌ی بازگشت اینترنت، بیش از آن‌که با هدف «تأمین حق ارتباطات» انجام شده باشد، صرفاً یک مانور دیپلماتیک برای متوقف کردن روز شمار بدنامی در گزارش‌های «نت بلاکس» و دیگر نهاد‌های ناظر بین‌المللی است.

در ایسن میان، یکی از تکان دهنده‌ترین فکت‌هایی که در میسان توییت‌های کاربران دست‌به‌دست می‌شود، تغییر معیار سنجش کیفیت است: «امروز دیگر سرعت اینترنت با واحد فنی مگابیت بر ثانیه سنجیده نمی‌شود؛ معیار جدید، میزان صبر، تحمل و فرسایش اعصاب مردم است.» وقتی برای باز کردن یک پوست ساده‌ی ایمیل یا بارگذاری یک صفحه‌ی آموزشی، کاربر باید دقایق طولانی به چرخه‌ی بی‌پایان «لودینگ» خیره شود، دیگر سخن گفتن از پهنای باند بی‌معناست؛ اینجا زمان و عمر انسان است که در پشت سد اختلالات عمدی دودمی‌شود.

گزارش‌های میدانی کاربران در خر داده‌ماه حاکی از آن است که اتصال کنونی به‌شدت «یک‌بار مصرف» و لزان است. کوچک‌ترین نوسان در شبکه‌ی موبایل یا وای‌فای باعث قطع شدن فیلترشکن می‌شود. فرآیند فرساینده‌ی یافتن یک «روزنه» جدید برای اتصال مجدد، گاه ساعت‌ها به طول می‌انجامد. این وضعیت، عملاً پایداری شبکه را به صفر رسانده و امنیت روانی کاربران را که همیشه‌شان به این رشته‌ی باریک وابسته است، به شدت مخدوش کرده است.

تجربه کاربری در هفته‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی یک الگوی مهندسی‌شده در اختلالات است. یکی از کاربران در توییتی که بازتاب وسیعی داشت، نوشته است: «ها در وضعیت منع تردد دیجیتال هستیم. سرعت اینترنت تنها در ساعات مرده‌ی شبانه روز، یعنی در بازه طلایی ۵ تا ۹ صبح (پیش از آغاز فعالیت‌های اداری و تجاری) در سطح قابل قبولی قرار دارد. اما به محض نزدیک شدن به ساعت ۱۰ صبح و اوج‌گیری فعالیت‌ها، پهنای باند به شکل بی‌رحمانه‌ای سرکوب می‌شود؛ گویی شیری را به عمد می‌بندند تا نبض تبادل اطلاعات در کشور از کار بیافتد.»

این سرکوب عمدی ترافیک در ساعات کاری، نه تنها کسب‌کارهای آنلاین را با شکستی بی‌سابقه روبرو کرده، بلکه به این باور دامن زده است که مسئولان با وجود ادعای «وصل مجدد»، در حال اجرای یک برنامه چیره‌بندی هوشمند و نامرئی هستند؛ چیره‌بندی‌ای که در آن اتصال برقرار است، اما عملاً هیچ اتفاقی در لایه کاربری نمی‌افتد.

بهبانه «زمان بر بودن فنی»

از نگاه صاحب‌نظران

در حالی که برخی از مسئولان این حوزه بازگشت به شرایط عادی را زامنبر می‌دانند و آن را زیر ساخت مرتب می‌کنند، مدیرعامل آروان کلاد

نت بلاکس در آخرین گزارش‌های خود مرتب با خرداد ۱۴۰۵ تأیید کرده است که اگر چه نمودار با پداری شبکه به عدد ۸۶ درصد رسیده، اما این رقم صرفاً بازتاب دهنده برقراری پینگ در سطح زیر ساخت‌های اصلی است و به هیچ وجه معنایی «بازگشت به شرایط عادی» پیش از بحران‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ را نمی‌رساند

و دیگر کارشناسان حوزه زیر ساخت، ادعای مقامات مبنی بر زمان بر بودن بهبود کیفیت به دلایل فنی را به چالش کشیده‌اند. به گفته آنها از نظر فنی، همان ساختاری که امکان قطع آنی اینترنت در مقیاس ملی را فراهم می‌کند، توانایی بازگرداندن ترافیک به حالت عادی را نیز در لحظه دارد. تأخیر در بهبود کیفیت، بیش از آن‌که ریشه در ناتوانی فنی داشته باشد، به سیاست‌های «لیست سفید» و مدیریت قطره‌چکانی ترافیک بین الملل نسبت داده می‌شود.

اینترنت طبقاتی و طرح «اینترنت پرو»

یکی از چالش‌برانگیزترین پدیده‌های ماه‌های اخیر، تثبیت مدل اینترنت طبقاتی تحت عنوان «اینترنت پرو» و «اینترنت سفید» است. طبق گزارش‌های «دیجیاتو» و «پوست»، در حالی که دسترسی عموم مردم در حد ۲ تا ۳۰ درصد نوسان داشته، دسترسی‌های خاصی برای کسب‌وکارهای منتخب، اتاق‌های بازرگانی و برخی نهادها فراهم شده بود.

این موضوع باعث شده تا شکاف دیجیتال عمیقی ایجاد شود. کاربران عادی در خانه‌ها با سرعت «بدال‌آب» دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در حالی که دسترسی‌های بدون فیلتر یا پرسرعت به صورت رانتی توزیع می‌شود. اسنادود این ماجرا فقط به چشم مردم نرفته است. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، خسارت روزانه قطعی اینترنت به اقتصاد کلان را حدود ۵ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. با این حال، حتی با وصل مجدد، به دلیل ناپایداری شدید، بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین همچنان در «وضعیت بقا» هستند و امکان برنامه‌ریزی ندارند.

داده‌های وب‌سایت‌های رصد سرعت نشان می‌دهند که میانگین سرعت اینترنت برای نیمی از کاربران ایرانی (حدود ۳۵ میلیون نفر) به زیر ۷۵۰ کیلوبایت بر ثانیه سقوط کرده است. این عدد در دنیای امروز که محتوای ویدیویی و خدمات ابری حرف اول را می‌زنند، عملاً به معنای «عدم دسترسی» است.

وضعیت کنونی اینترنت در خرداد ۱۴۰۵ را می‌توان «شبه‌اتصال» نامید. اگر چه از نظر آماری و روی کاغذ، اینترنت ایران دیگر در وضعیت «خاموشی کامل» قرار ندارد، اما از نظر کاربری، دلیل «فیلترتنگ چنده‌لایه، ناپایداری پروتکل‌ها و محدودیت عمدی پهنای باند»، رضایت عمومی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. همان‌طور که در میان حرف‌های مردم شنیده می‌شود، اینترنت فعلی بیش از آن‌که ابزاری برای ارتباط باشد، به ابزاری برای «فرسایش اعصاب و روان» تبدیل شده است و دست‌سازور خواندن این وضعیت از سوی مسئولان، با واقعیت زیست دیجیتال مردم فرسنگ‌هافاصله دارد.

اومی گویند: «سابقه تاریخی نشان داده هر زمان نگهداری منابع طبیعی در اختیار مردم بوده، وضعیت تالاب بهتر مدیریت شده و با ورود نهادهای دولتی و محدودشدن نقش مردم، آسیب‌ها افزایش یافته است.»

فتحی شیرین توضیح می‌دهد: «زمان مبردم ۱۲ ماه سال هم صیادی می‌کردند، هم نگهداری و پاکسازی تالاب را انجام می‌دادند، اما وقتی صیادی محدود شد، دیگر کسی برای جمع‌آوری زباله‌ها و پاکسازی مسیرها نبود و همین باعث شد آشغال‌ها جمع شوند و راه‌های آبی مسدود شود.»

او درباره ساخت یک پل موقت در تالاب می‌گوید: «قرار بود این پل سه ساله باشد، اما به دلیل طراحی غلط و فاصله کم پایه‌ها، سیلاب‌ها چوب و تنه درختان را با خود می‌آوردند و میان پایه‌ها گیر می‌کنند و همین موضوع مانع خروج رسوبات به سمت دریا شده است.»

فتحی شیرین با اشاره به چرخه طبیعی آب در تالاب انزلی می‌گوید: «تالاب انزلی یک تاریخچه طبیعی دارد؛ هر ۵۰ سال سطح آب بالایی آید و هر ۵۰ سال پایین می‌رود. الان در دوره‌ای هستیم که آب پایین رفته و باید لایروبی و برداشت رسوبات انجام شود.»

به گفته او: «برداشت رسوبات می‌تواند هم به احیای تالاب کمک کند و هم از فروش خاک هزینه پروژه‌ها تأمین شود، اما "مافا" اجازه اجرای درست این طرح‌ها نمی‌دهد.»

فتحی می‌گوید: «وقتی مردم را کنار گذاشتند، بسیاری از صیادان به گردشگری روی آوردند، اما اگر تالاب خشک شود و بوی بد و آلودگی افزایش پیدا کند، گردشگری هم از بین می‌رود و منطقه با یک سونامی اقتصادی روبه‌رو می‌شود.»

فاضلاب صنعتی؛ بزرگ‌ترین تهدید تالاب

این فعال محیط زیست ورود فاضلاب صنعتی و شهری را مهم‌ترین تهدید فعلی تالاب می‌داند. او می‌گوید: «کارخانه پودر ماهی، شهرک صنعتی رشت، شهرک صنعتی بندر انزلی، بیمارستان‌ها و فاضلاب شهری استان، همه وارد تالاب می‌شوند.»

فتحی شیرین با انتقاد از عملکرد سازمان محیط زیست می‌گوید: «سازمان محیط زیست با بیاد جلوی این تخلیه‌ها را بگیرد یا پاسخ بدهد چرا اجازه داده فاضلاب وارد تالاب شود.» او مدعی است برخی صنایع بدون رعایت الزامات زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند و حتی ساده‌ترین تجهیزات کنترل آلودگی را ندارند.

فتحی شیرین در بخش دیگری از گفت‌وگو به وضعیت آب منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید: «من خودم دیگر از آب شهری استفاده نمی‌کنم و دستگاه تصفیه گذاشته‌ام. مردم اگر ورودی آب شهر را ببینند متوجه آلودگی می‌شوند.»

تالاب انزلی هویت خود را از دست داده است

مرگ تدریجی قلب تپنده اقتصاد گیلان



بعلاً دیگر تالاب نیست. او توضیح می‌دهد: «تالاب انزلی امروز از یک اکوسیستم آبی، در برخی نقاط به دشت و جنگل تبدیل شده است.»

به گفته این کارشناس، محدود شدن تردد قایق‌ها و مسدود شدن بخشی از مسیرهای طبیعی آب باعث شده روند طبیعی گردش آب مختل شود. این مسئله به تجمع لجن، تغییر پوشش گیاهی و حتی تغییر اقلیم محلی منجر شده است. او هشدار می‌دهد که در برخی بخش‌ها، تالاب عملاً در حال از دست دادن هویت طبیعی خود است. فلاح یکی از مهم‌ترین عوامل بحران را ورود گسترده فاضلاب شهری و صنعتی می‌داند. او می‌گوید: «مسواذ مغذی و آلاینده‌ها تالاب را وارد مرحله "سویر هایپر تروفی" کرده‌اند؛ یعنی تالاب عملاً به سمت مرگ می‌رود.» در نتیجه، اتصال اسمی می‌توان گفت تا حدودی یک عدد روی کاغذ است و در عمل، کاربر با یک دیوار نامرئی روبرو می‌شود که مانع از رسیدن به

مهاجم شده است. او همچنین هشدار می‌دهد که تبادل طبیعی آب شور دریای خزر با تالاب تقریباً متوقف شده و همین مسئله روند شیرین شدن آب تالاب را تشدید کرده است. این تغییر، شرایط را برای رشد